

## کارکردها و پیامدهای نذر در جامعه روستایی

(بررسی موردی روستاهای شهرستان فومن - استان گیلان)

حمید پارسانیا \*

مهرداد توکلی راد \*\*

تاریخ دریافت: ۲۰ اردیبهشت ۱۳۹۰

تاریخ پذیرش: ۱۷ دی ۱۳۹۰

### چکیده

تأمین اجتماعی، یکی از ضرورت‌های جامعه روستایی ایران و پیش‌شرط تحقق توسعه روستایی است که همیشه برای استقرار فراگیر آن در جامعه روستایی، با مشکلات فراوانی مواجه بوده‌ایم. در پژوهش حاضر، با بررسی عمیق جامعه مورد بررسی و مهم دانستن الگوها، ارزش‌ها و نگرش‌های افراد، منابع سنتی و به طور خاص دین، یکی از منابع محسوب شده است که می‌تواند ایجاد تأمین اجتماعی فراگیر و توسعه روستایی را تسهیل کند. در پژوهش حاضر، نذر یکی از منابع حمایتی تأمین اجتماعی در اسلام معرفی شده و با استفاده از رهیافت کیفی "نظریه بنیانی"، تلاش شده است تا با شناسایی و معرفی نذر به مثابه کالایی حمایتی در نظام تأمین اجتماعی روستایی، بتوان پیامدها و کارکردهای فعالیت‌های حمایتی نذری را در جامعه روستایی دریافت. یافته‌های پژوهش حاضر، نشان می‌دهند که فعالیت‌های نذری که جنبه حمایتی دارند، بر دو گروه "نذرگیرندگان" و "نذردهندگان" تأثیر می‌گذارند. شرایط علی ویژه‌ای مانند "گره‌گشایی"، "دستیابی به هدف"، "آرامش‌بخشی" و "تأمین نیازها"، پدیده "برقراری تعادل" را ایجاد می‌کنند. این پدیده از طریق راهبردهای درهم‌تنیده‌ای مستحکم می‌شود. راهبردهای مذکور عبارت‌اند از "اعتقاد داشتن"، "مأیوس نشدن"، "خلوص نیت"، "واسطه قرار دادن"، "خیرخواهی"، "متعهد شدن"، "مسئولیت‌پذیری" و "کمک‌خواهی". پیامدهای بکارگیری راهبردهای مذکور، "نتیجه‌دهی" نذرهای حمایتی و "راغب شدن" افراد مورد بررسی به چنین نذرهایی هستند که ضمن ایجاد "وابستگی" بین نذرگیرندگان و نذردهندگان و "بالا بردن منزلت اجتماعی" نذردهندگان، با "خشنود کردن" نذرگیرندگان، موجب "رفاه ذهنی"، "حفظ حرمت افراد محتاج" و دستیابی به "مکمل مناسب" برای تأمین نیازهای زندگی در گروه نذرگیرندگان می‌شوند. راهبردهای پدیده برقراری تعادل، به منظور پیدایش چنین پیامدهایی، تحت تأثیر شرایط مداخله‌گر مانند "دینداری"، "وضعیت مالی"، "نیازمندی"، "درک موقعیت افراد محتاج"، "ساختار جامعه روستایی"، "یادگیری‌های گذشته" و "تجربه کردن" هستند و در زمینه‌های خاصی بسط می‌یابند.

**کلیدواژه‌ها:** تأمین اجتماعی، اسلام، نذر، تعادل، رفاه ذهنی، توسعه روستایی.

\* دانشیار جامعه‌شناسی دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران. h.parsania@yahoo.com

\*\* عضو هیات علمی دانشگاه پیام نور. (نویسنده مسئول) m\_tavakolirad@pnu.ac.ir

#### مقدمه

در حال حاضر، به دلیل تخریب وسیع نظام‌های درونزا و سنتی تأمینی، مهمترین عامل بقای هر جامعه‌ای، تأمین اجتماعی<sup>۱</sup> است. تأمین اجتماعی در فرایند تکامل دگرگونی‌های اجتماعی، یکی از مهمترین عوامل و پیش‌نیازهای مهم ایجاد پیشرفت و توسعه در هر جامعه مدرن است (پژوهان و دیگران، ۱۳۷۳: ۱۷۷). به طوری که فقدان آن، می‌تواند حیات هر کشوری را به مخاطره بیندازد و جریان توسعه و بالندگی آن را مختل کند. تأمین اجتماعی به مثابه ضرورتی تاریخی، حق انسانی و اجتماعی بشر محسوب می‌شود و هدف آن، ثبات سیاسی، همبستگی، سلامت محیطی (پناهی، ۱۳۷۶: ۱۲)، ایجاد فرصت‌های برابر برای همگان، گسترش عدالت اجتماعی، استقرار رفاه، امنیت و کاهش آسیب‌پذیری افراد جامعه در برابر انواع خطرهای پیش‌روی آنان است (شورای پژوهشی مؤسسه پژوهش تأمین اجتماعی، ۱۳۷۸: ۱۰). همه دولت‌ها به منظور استقرار فراگیر تأمین اجتماعی به عنوان تکلیف قانونی خود تلاش می‌کنند (پناهی، ۱۳۸۵: ۷).

در جامعه روستایی به دلیل وجود مشاغل پرخطر و رفاه کمتر در مقایسه با جوامع شهری، نیاز به تأمین اجتماعی به میزان بیشتری احساس می‌شود. تأمین اجتماعی روستایی، نه تنها یکی از نیازهای مهم جامعه روستایی است، بلکه از پیش‌شرط‌های تحقق توسعه روستایی<sup>۲</sup> نیز محسوب می‌شود، زیرا توسعه روستایی صرفاً صرفاً توسعه کشاورزی نیست، بلکه مهمترین هدف آن، بهبود شرایط زندگی مردم روستایی است (طالب و عنبری، ۱۳۸۴: ۲۳۱). بنابراین، یکی از ابرازهایی که می‌تواند هدف فوق را محقق سازد، نظام تأمین اجتماعی در جامعه روستایی است، زیرا با کاهش فقر، آسیب‌پذیری و خطرهای پیش‌روی افراد جامعه، بستری مناسب برای توسعه روستایی و کشاورزی فراهم می‌کند (الدرمن<sup>۳</sup>، ۱۹۹۶: ۴۵). اما نظام تأمین اجتماعی پس از گذشت بیش از دو قرن حضور در جهان، در کشورهای توسعه‌نیافته، به‌ویژه جوامع روستایی آن، همواره با موانع جدی مواجه بوده است. در ایران نیز به دلیل وجود شرایط خاص اقلیمی، جغرافیایی، اجتماعی و اقتصادی جامعه روستایی، با گذشت بیش از نیم قرن سابقه پیدایش تأمین اجتماعی، نظام فراگیر تأمین اجتماعی ایجاد نشده است. در نتیجه، با بحران‌های شدیدی در حوزه برنامه‌ریزی‌های توسعه روستایی مواجه هستیم.

تأمین اجتماعی با عرضه خدمات بیمه‌ای، حمایتی و امدادی، از منابع گوناگون سنتی و مدرن، به منظور استقرار فراگیر خود استفاده می‌کند. در پژوهش حاضر، با در نظر گرفتن تأمین اجتماعی به عنوان یکی از ضرورت‌های جامعه روستایی ایران و پیش‌شرط تحقق توسعه در آن، با مهم دانستن الگوها، ارزش‌ها و نگرش‌های موجود در جامعه مذکور، منابع سنتی و به طور خاص، دین یکی از منابعی محسوب شده است که می‌تواند ایجاد تأمین اجتماعی فراگیر و توسعه روستایی را تسهیل کند. دین اسلام به دلیل نفوذ گسترده در

1 Social Security  
2 Rural Development  
3 Alderma

## کارکردها و پیامدهای نذر در جامعه روستایی

جامعه روستایی، به عنوان نهاد سنتی تأمین اجتماعی، راهبردهای مشخص و مؤثری در این زمینه دارد که با وجود نابودی وسیع نهادهای سنتی تأمین، همچنان کارکردهای خود را حفظ کرده است و می‌تواند با کاهش خطرها در جامعه روستایی، به تحقق توسعه کمک کند.

تأمین اجتماعی در اسلام، به دلیل تنوع فعالیت‌ها در ابعاد بیمه‌ای (مانند عهد و پیمان، ضمانت، کفالت، دیه و غیره) و ابعاد حمایتی (مانند انفاق، صدقه، وقف، فرض‌الحسنه و غیره) بسیار گسترده است. در پژوهش حاضر، نذر که در زمره راهبردهای حمایتی نظام تأمین اجتماعی قرار می‌گیرد، مورد تأکید است. زیرا به دلیل گستره وسیع این راهبرد حمایتی در حوزه فردی و اجتماعی، می‌توان از آن به مثابه ظرفیتی دینی یاد کرد که فراتر از یک منبع تأمین اجتماعی، ضمن رفع نیازهایی که رفع آن به سادگی میسر نیست، موجب رشد انگیزه افراد جامعه برای انجام فعالیت‌های پسندیده و ممانعت از رفتارهای زشت و مذموم خواهد شد. علاوه بر این، تأمین اجتماعی به تقویت سرمایه اجتماعی، روحیه نوع‌دوستی و هویت جمعی در جامعه می‌انجامد. هدف پژوهش حاضر این است که پیامدها و کارکردهای گوناگون نذر در جامعه روستایی شهرستان فومن، با روش نظریه بنیانی<sup>۱</sup> مورد بررسی قرار گیرد تا بتوان ظرفیت‌های آن را در تأمین اجتماعی و فراهم کردن زمینه برای تحقق توسعه فراگیر آن را در جامعه روستایی کشف کرد. استفاده از روش نظریه بنیانی در پژوهش حاضر، علاوه بر کشف پیامدهای نذر از کالبد واقعیت‌های جامعه مذکور، به تدوین نظریه و الگویی درباره تأمین منابع نظام تأمین اجتماعی روستایی با توجه معیارها و ظرفیت‌های موجود در آن جامعه انجامید.

## بیان مسئله

گسترش تأمین اجتماعی در جامعه روستایی ایران، به دلیل وجود فقر و محرومیت مفرط، کمبود امکانات زیربنایی (مانند نداشتن آب سالم، جاده و راه مناسب، کمبود امکانات آموزشی و غیره)، نابرابری فرصت‌ها و آسیب‌پذیری فزاینده، ضروری است. وجود عوامل مذکور موجب می‌شود که توجه به فعالیت‌های حمایتی، هدف اساسی تأمین اجتماعی روستایی در برابر راهبردهای بیمه‌ای محسوب گردد (مریدی، ۱۳۸۳: ۲۹-۳۹). ایران همانند سایر کشورهای در حال توسعه، با وجود تلاش‌های بسیار به منظور برقراری نظام تأمین اجتماعی برای تحقق اصل ۲۹ قانون اساسی<sup>۲</sup>، هنوز فاقد نظام فراگیر تأمین و حمایتی است و با اینکه جامعه روستایی، سهم فراوانی از جمعیت کشور را به خود اختصاص داده<sup>۳</sup> است، به دلایلی مانند "عدم تمرکز بیش از حد" و

### 1 Grounded Theory

۲ در این اصل مذکور، برخورداری از تأمین اجتماعی به لحاظ بازنشستگی، بیکاری، پیری، از کارافتادگی، بی‌سرپرستی، در راه‌ماندگی، حوادث و سوانح، نیاز به خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبت‌های پزشکی به صورت بیمه و غیره، حق همگانی است. دولت مکلف است طبق قوانین از محل درآمدهای عمومی و درآمدهای حاصل از مشارکت مردم، خدمات و حمایت‌های مذکور را برای همه افراد کشور تأمین کند.

۳ به طوری که بر اساس سرشماری عمومی سال ۱۳۸۵، جمعیت روستایی ۳۱ درصد از کل جمعیت کشور را شامل می‌شود (مرکز آمار ایران).

"پراکندگی آن در سطح سرزمین"، با وجود اجرای طرح‌های خدمات‌رسانی و حمایتی فراوان در مناطق روستایی در دوران پس از انقلاب، از نظام تأمین اجتماعی مؤثر بی‌بهره مانده است (مسلمی، ۱۳۸۳: ۱۶۶). نکته حائز اهمیت این است که با توجه به نقصان‌ها و کمبودهای جامعه ایران در استقرار فراگیر و پایدار نظام تأمین اجتماعی و فعالیت‌های حمایتی، باید شرایط، توانایی‌ها، نیازها و نگرش‌های جامعه ایران را مورد توجه قرار داد تا به راهکارهای مناسبی در این زمینه دست یافت. سپس مطابق با آن، مبانی نظام رفاه و توسعه را در جامعه روستایی تدوین کرد. یکی از راهکارها و منابعی که می‌تواند مشکلات برقراری این نظام و راهبرد حمایتی‌اش را در جامعه روستایی حل کند، استفاده از منابع سنتی تأمین - حمایتی است که در طول سال‌های متمادی زندگی انسانی، کارایی مفیدی داشته و در برخورد با انگاره‌های مدرن تضعیف گردیده یا نابود شده است، ولی با جستجو در فرهنگ و اندیشه ایرانی، می‌توان با کشف و بازیابی آنها، به طور منسجم و برنامه‌ریزی شده، از منابع آن در استقرار پایدار نظام تأمین اجتماعی استفاده کرد. مؤثرترین منبع در این زمینه، نهاد دین در جامعه ایرانی است.

در ایران (به‌ویژه جامعه فعلی آن) دین به لحاظ فرهنگی، اجتماعی و ساختاری، تأثیر بسیار مهمی در زندگی روزمره فردی و اجتماعی افراد دارد، زیرا به طور گسترده‌ای با زندگی افراد آن عجین شده است. به طوری که بخش زیادی از رفتار افراد معتقد و ساکن در این جامعه، نمی‌تواند خارج از دستورها و توصیه‌های دینی به طور کارایی، مجال بروز داشته باشد (قاضی، ۱۳۸۵: ۳۱). نفوذ دین در جامعه روستایی ایران، به دلیل همبستگی گسترده اجتماعی و عدم تثبیت گذاره‌های مدرن و غیردینی، بیشتر احساس می‌گردد، به طوری که به دلیل پهنه وسیع دین در ایران و به‌ویژه جامعه روستایی آن، نمی‌توان به سادگی آن را در گفتمان توسعه نادیده گرفت. دین اسلام اصول و راهبردهای روشنی در فرایند توسعه و به‌ویژه ظرفیت‌های مناسبی برای توسعه اجتماعی، تأمین اجتماعی و حمایت‌های اجتماعی دارد. بیان صریح تعالیم اسلام در قرآن و تأکید روایات دینی بر نوع‌دوستی، همبستگی و انسجام اجتماعی، مسئولیت‌پذیری و مشارکت اجتماعی، لزوم برقراری امنیت، آرامش و عدالت اجتماعی، رفع فقر و محرومیت و نیز بیان راهکارهای متنوع ابتکاری، خاص و کاربردی برای تحقق این اصول، از طریق اعمال خیرخواهانه حمایتی مانند خمس، زکات، صدقه، انفاق، وقف و غیره (قابل، ۱۳۸۳) موجب شده است که اسلام ضمن توجه به فضایل معنوی و اخلاقی، با رویکردی خاص و تشویق به حمایت‌های داوطلبانه و خودجوش مردمی، بخشی از اهداف توسعه و خدمات تأمین و رفاهی را در ایران فراهم کند. در کنار راهبردهای متنوع تأمین اجتماعی که اسلام در حوزه‌های اجتماعی و اقتصادی بیان می‌کند و اکثر آنها از قابلیت فراوانی برای اجرا برخوردار هستند، ندر راهکاری دینی و حمایتی است که ظاهراً در جامعه روستایی به‌دلیل صبغه مذهبی، می‌تواند به‌عنوان یک منبع عظیم مادی و معنوی، پشتوانه مناسبی برای

## کارکردها و پیامدهای نذر در جامعه روستایی

مساعدهت‌ها و خدمات اجتماعی در جامعه روستایی باشد، زیرا معمولاً در مراحل مختلف زندگی افراد، به طور آگاهانه یا ناآگاهانه در ابعاد متفاوت جلوه می‌کند. نذر یکی از کنش‌های مذهبی است که در همه مذاهب توحیدی مختلف یافت می‌شود، ولی در تعالیم اسلام با وضوح بیشتر ملاحظه می‌گردد و کنشی داوطلبانه و الزام‌آور است (محدثی، ۱۳۷۴: ۳۷) که کارکردهای متعددی در ابعاد فردی، روانی، اقتصادی، دینی و اجتماعی دارد. نذر در جامعه روستایی ایران بسیار مشهود است و اموری مانند توجه به ایتم و انجام فرایض، مناسک دینی، احداث تکایا و مساجد تا فقرزدایی، پرداخت دیه، احداث مسکن برای افراد بی‌خانمان، تسهیل ازدواج جوانان (بهار، ۱۳۸۳: ۱۱۹) و رفع سایر نیازهای سازگار با شرایط جدید جامعه و افراد آن را شامل می‌شود و بدین طریق توانسته است زمینه‌های توسعه روستایی را در جنبه‌های گوناگون و نیز تأمین اجتماعی روستایی را فراهم کند. بنابراین، قابلیت تعمیم و توجه در گفتمان توسعه و توسعه روستایی ایران را دارد و عدم توجه به این سرمایه ارزشمند، نه تنها موجب فرسایش این سرمایه می‌شود، بلکه موجب هدر رفتن منابع محدود توسعه در جامعه روستایی در برابر نیازها و خواسته‌های نامحدود آن می‌گردد.

برای شناخت آثار و پیامدهای گوناگون نذر در جامعه روستایی، باید به کنکاش در متون دینی (قرآن و روایات و منابع فقهی) و کشف دیدگاه‌های عمومی درباره مفهوم نذر و مشاهده اعمال نذری جامعه پرداخت تا بتوان دریافت که آیا نذر به عنوان ظرفیت یا راهبرد حمایتی نظام تأمین اجتماعی اسلام مطرح می‌شود؟ اگر چنین است، چه آثار و کارکردهایی در جنبه‌های مختلف فردی، اجتماعی و ذهنی در جامعه روستایی دارد؟

### بیان مفهومی نذر

نذر<sup>۱</sup> در همه ادیان یافت می‌شود، به مثابه عملی دینی تلقی می‌گردد که موجب متعالی کردن جامعه یا افراد می‌شود، دینداران می‌توانند با آن به شفای روحی و معنوی نایل آیند و دوباره دگرگون شوند، توبه کنند، و رستگار شوند. نذر با ایجاد اتحاد اجتماعی و معنوی در میان افراد و اجتماع، موجب کاهش اضطراب و دغدغه‌های آنها می‌شود (دورکیم، ۱۳۸۶: ۴۹۶-۴۹۸).

از بین همه ادیان جهان، به‌ویژه ادیان ابراهیمی، نذر در اسلام، از دامنه، تنوع و کارکردهای فراوانی برخوردار است، به طوری که بر بخش زیادی از زندگی دنیوی و معنوی مسلمانان معتقد تأثیر گذاشته است. نذر در اصطلاح فقهی، نوعی التزام غیرلازم است که بعد از التزام واجب می‌شود و در صورتی که شرایط آن کامل باشد، وفای به آن ضروری است (سجادی، ۱۳۷۹: ۲۰۰۳ و ۲۰۰۴).

به عبارت بهتر، نذر پیمان یا عملی اختیاری و در عین حال الزامی است که همراه با مناسک فردی یا اجتماعی انجام می‌شود و مسلمان معتقد با انجام آن، پیمانی مقدس با خدای خویش می‌بندد تا از آن طریق، با

رعایت اصول و شرایطی خاص که در فقه اسلامی توصیه شده است، به قدرت لایتناهی الهی متوسل و نزدیک شود و در مقابل رفع نیاز یا نیازهای خود، انجام عمل یا رفتاری را که متعهد شده است، بر خود لازم بداند. بنابراین، می‌توان گفت که در اسلام (به ویژه مذهب شیعه) نذر سه کارکرد زیر را دارد: (۱) برآوردن حاجات، (۲) ترغیب به انجام کارهای نیکو، (۳) ممانعت از امور ناپسند.

ابعاد فوق نشان می‌دهند که نذر، ظرفیت‌های بسیار غنی برای تقویت حیات دینی، تکامل و بالندگی جامعه مسلمان دارد و از طریق مجموع فعالیت‌های متنوع، بسیار قوی و کارا، سرمایه‌های عظیم معنوی و مادی را برای جامعه و نظام تأمین اجتماعی و توسعه آن فراهم می‌کند و می‌تواند به مثابه یکی از منابع سودمند تأمین - حمایتی در مواقع بحران و کمبود منابع نظام تأمین اجتماعی مورد استفاده قرار گیرد، اما ناشناخته بودن و عدم توجه نظری به این بعد از نظام تأمین اجتماعی اسلام، دشواری‌های پژوهشی فراوانی را پیش‌روی هر پژوهشگر قرار می‌دهد، به طوری که بهترین روش شناخت کارکردهای این پدیده در جامعه روستایی، استفاده از روش‌های پژوهش کیفی، به ویژه روش نظریه بنیانی است.

### روش پژوهش

برای انتخاب روش مناسب برای پژوهش، باید همواره بین مسئله یا مسائل پژوهش و روش مورد استفاده برای فهم آنها، تناسب وجود داشته باشد، زیرا در غیر این صورت، اعتبار<sup>۱</sup> و پایایی<sup>۲</sup> پژوهش تأیید نخواهد شد. در نتیجه، با انجام پژوهش، نمی‌توان پاسخی برای مسائل مورد نظر یافت و حتی ممکن است موجب گمراهی علمی شود. در پژوهش حاضر به دلایل زیر از روش کیفی نظریه بنیانی استفاده شد: (۱) بدیع بودن پرسش‌های پژوهش، به طوری که با مرور ادبیات پژوهش، پرسش‌های مذکور یافت نشد. (۲) مشخص نبودن مفاهیم مربوط به موضوع مورد نظر. (۳) فراهم کردن زمینه‌های مناسب برای استفاده از روش‌ها، منابع مختلف و انعطاف‌پذیر در فرایند پژوهش. (۴) ایجاد فرصت‌های تعامل عمیق و نزدیک با کنشگران انسانی و شناخت دیدگاه‌ها و تجارب آنها از زبان خودشان درباره موضوع پژوهش.

روش نظریه بنیانی برای پژوهشگران توسعه که قصد شناخت منظم دیدگاه‌ها و معانی متفاوت افراد را درباره موقعیتی خاص یا پدیده‌ای واحد دارند، شرایطی فراهم می‌کند تا با بررسی کامل و دقیق موضوع مورد بررسی و امکان بکارگیری روش‌های متعدد و دستیابی به اطلاعات گوناگون کمی و کیفی و امکان تحلیل‌های مجلد، مداوم و رفت و برگشت‌های بسیار میان نظریه (تحلیل داده‌ها) و میدان (گردآوری داده‌ها) به آسانی به

1 Reliability  
2 Validaty

## کارکردها و پیامدهای نذر در جامعه روستایی

شناخت نظری و حقیقی از پدیده‌ها دست یابند (چارمز<sup>۱</sup>، ۲۰۰۰: ۵۱۰). نظریه بنیانی را که گاه نظریه زمینه‌ای، نظریه مبنايي، نظریه‌های پایه (ادیب حاج باقری، ۱۳۸۵: ۱۷) یا نظریه داده‌نگر (بلیکی<sup>۲</sup>، ۱۳۸۴: ۳۰۸) نیز می‌نامند، مجموعه‌ای از روش‌های نظام‌مند است که به‌طور استقرایی<sup>۳</sup> از بررسی پدیده‌ها به دست می‌آید. پدیده‌هایی که باید آنها را کشف کرد و با گردآوری منظم داده‌ها و تجزیه و تحلیل‌شان، به تأیید آنها پرداخت. در روش نظریه بنیانی، گردآوری اطلاعات و تجزیه تحلیل داده‌ها به طور همزمان انجام می‌شود و فرایند پژوهش، هرگز از یک نظریه شروع نمی‌شود که بعد تأیید گردد، بلکه جریان پژوهش از یک حوزه پژوهشی آغاز می‌گردد. سپس با *کدگذاری باز*<sup>۴</sup>، *محوری*<sup>۵</sup> و *انتخابی*<sup>۶</sup> که امکان خلق *مفاهیم*<sup>۷</sup>، *مقوله‌ها*<sup>۸</sup> و *قضایای*<sup>۹</sup> مرتبط با داده‌های به دست آمده را از جامعه مورد بررسی فراهم می‌کند، فرصت داده می‌شود تا آنچه که متناسب و مربوط با پدیده مورد نظر است، خود را نشان دهد. سپس با تحلیل‌های منسجم، دستیابی به مدل نظری و تأیید آن فراهم می‌گردد (استراس و کوربین<sup>۱۰</sup>، ۱۳۸۵: ۲-۲۴). استفاده از روش نظریه بنیانی در پژوهش حاضر، این امکان را برای پژوهشگران فراهم کرد تا با بررسی داده‌های گردآوری شده و تمییز دادن مفاهیم، مقولات و قضایای مرتبط یا نامرتب که همگام با فرایند پژوهش به دست می‌آیند، با خلاقیت‌شان، مدل نظری در خصوص نقش راهبرد حمایتی نذر در مناطق روستایی مورد بررسی ابداع کنند که در چارچوب نظری یا فرضیه‌های از پیش تعیین شده قرار نمی‌گیرد، بلکه حاصل تجربه بومی افراد مورد بررسی است.

## مشارکت‌کنندگان پژوهش

در رهیافت کیفی، معیار انتخاب موارد یا نمونه‌گیری پژوهش، با رهیافت کمی بسیار متفاوت است، به طوری که در پژوهش‌های کیفی، به افرادی که در پژوهش شرکت می‌کنند، *فرد* یا *نمونه* گفته نمی‌شود، بلکه *مشارکت‌کنندگان*<sup>۱۱</sup> یا *افراد مطلع*<sup>۱۲</sup> نامیده می‌شوند. کاملاً واضح است که تعداد مشارکت‌کنندگان پژوهش در نظریه بنیانی، بر خلاف پژوهش‌های کمی از قبل مشخص نیست، بلکه به تدریج با جمع‌آوری و تحلیل منظم داده‌ها تا هنگامی که پژوهشگر به اشباع<sup>۱۳</sup> نظری دست یابد، ادامه خواهد یافت (بلیکی، ۱۳۸۴: ۳۰۸ - ۳۰۹).

1 Charmaz  
2 Blikie  
3 Induction  
4 Open  
5 Axial  
6 Selective  
7 Concepts  
8 Categories  
9 Propositions  
10 Strauss and Corbin  
11 Participant  
12 Informant  
13 Saturation

در روش نظریه بنیانی، از حوادث و وقایعی می‌توان نمونه‌گیری کرد که بیانگر مفاهیمی هستند که با یکدیگر رابطه نظری دارند (استراس و کوربین، ۱۳۸۵: ۱۹۲). بنابراین، در روش نظریه بنیانی از نمونه‌گیری‌های متعددی استفاده می‌شود، اما به اعتقاد اکثر صاحب‌نظران این روش، مطلوب است دو نمونه‌گیری مبتنی بر هدف<sup>۱</sup> (یا هدفمند) و نمونه‌گیری نظری<sup>۲</sup> مورد استفاده قرار گیرد. توصیه شده است که در آغاز پژوهش با روش نظریه بنیانی، بهتر است که داده‌ها با نمونه‌گیری مبتنی بر هدف جمع‌آوری شوند، زیرا این نوع نمونه‌گیری، به پژوهشگر کمک می‌کند تا به طور هدفمند در فرایند پژوهش، از خود بپرسد که چه نوع اطلاعاتی نیاز دارد تا نمونه‌ها را بر مبنای آن انتخاب کنند (استراس و کوربین، ۱۳۸۵: ۱۷۶). داده‌هایی که به هر شکل (با مصاحبه، مشاهده رفتار و اعمال و وقایع) در نمونه‌گیری مبتنی بر هدف به دست آمده است و مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرند، در گام بعدی زمینه را برای نمونه‌گیری نظری فراهم می‌کنند. در نمونه‌گیری نظری بر مبنای یافته‌های اولیه پژوهش (که با نمونه‌گیری هدفمند حاصل شده است)، پژوهشگر می‌تواند برای دستیابی به اشباع نظری تشخیص دهد که به چه اطلاعاتی نیاز دارد، درباره چه موضوعاتی باید داده گردآوری کند، به کجا برود، در چه موقعیت‌هایی، ارزیابی‌های بعدی را انجام دهد (کین و کولی،<sup>۳</sup> ۲۰۰۶: ۵۰۷) و با تکمیل مفاهیم و مقوله‌های به دست آمده، با دستیابی به اشباع، نظریه خود را بیرواند.

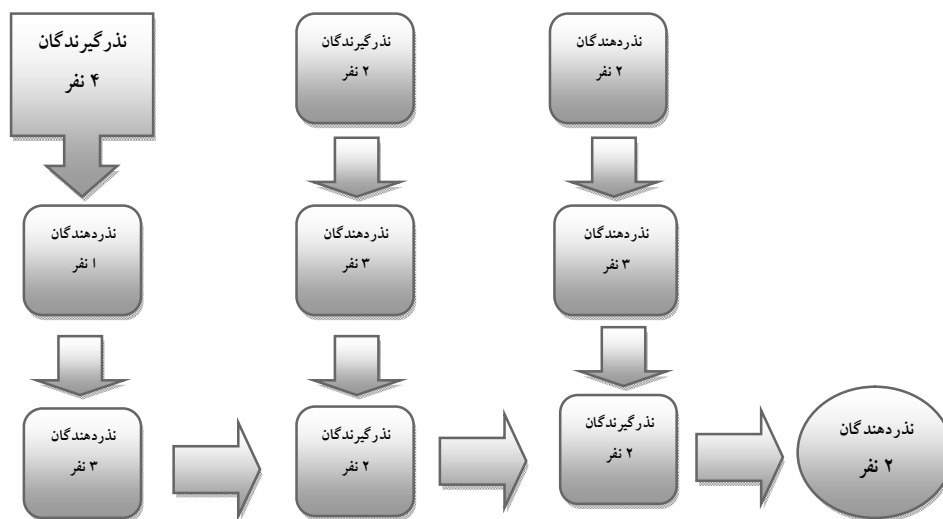
در پژوهش حاضر، ابتدا شهرستان فومن و ۱۶۱ روستای آن، به‌عنوان میدان پژوهش برگزیده شد. انتخاب شهرستان فوق دو دلیل داشت. از آنجایی که نذر کنشی دینی است، جامعه‌ای باید به عنوان میدان پژوهش انتخاب شود که در آن پابندی به اعتقادهای دینی فراوان است. منطقه مذکور، تقریباً یکی از مذهبی‌ترین مناطق استان گیلان است که انجام اعمال نذری در آن مشهود است. دلیل دیگر، آشنایی پژوهشگر با جامعه روستایی مورد بررسی و امکان دسترسی آسان به روستاهای آن و فهم زبان، گویش و لهجه‌های متفاوت آن بود که به طور مطلوب‌تری می‌توانست اهداف و الزام‌های روش بنیانی را که مستلزم حضور فراوان و تعامل نزدیک پژوهشگران با مشارکت‌کنندگان است را تحقق بخشد. در پژوهش حاضر، به دلیل گستردگی میدان پژوهش و نیز وسعت و مبهم بودن مفهوم نذر، در ابتدا با استفاده از مصاحبه (باز و نیمه‌سازمان‌یافته)، مشاهده و یادداشت‌برداری (که تا پایان پژوهش، استفاده از این فنون تلفیقی ادامه داشت) از نمونه‌گیری با روش آسان یا در دسترس<sup>۴</sup> استفاده شد تا با محیط، افراد یا وقایع مورد نظر درباره موضوع پژوهش و مفهوم نذر آشنایی حاصل شود. در طول فرایند پژوهش، دو نوع نذر متفاوت، یعنی نذر منسکی و حمایتی کشف گردید. نذرهای منسکی، صرفاً کارکردهای مذهبی و روانی دارند و به طور فردی و جمعی انجام می‌شوند، مانند روزه، نماز،

1 Purposeful Sampling  
2 Theoretical Sampling  
3 Coyne & Cowley  
4 Convenience of Opportunistic Sampling



## کارکردها و پیامدهای نذر در جامعه روستایی

زیارت، سفره‌های نذری و غیره. نذرهای حمایتی بر خلاف نذرهای منسکی، علاوه بر کارکردهای مذهبی، پیامدها و نتایج تأمین و رفاهی نیز دارند. به عبارت بهتر، در این گونه نذری با نگاهی اجتماع‌محور، به طور خاص افراد نیازمند، مستحق مصرف (کامل یا بخشی از) کالاهایی نذری دانسته می‌شوند. از این رو، می‌توان نذرهای حمایتی را راهبردی حمایتی در جریان کمبودهای نظام تأمین اجتماعی در جامعه روستایی دانست. پس از کشف نذرهای حمایتی در جامعه، پژوهشگران با نمونه‌گیری آسان به شناخت پیامدهای نذرهای حمایتی پرداختند. در نمونه‌گیری‌های اولیه، مشخص شد که این گونه نذری در جامعه مورد بررسی، بر دو گروه **نذردهندگان** و **نذرگیرندگان** تأثیر می‌گذارد. نذردهندگان به افرادی گفته می‌شود که با نذر کردن و نذری دادن، از افراد نیازمند حمایت می‌کنند و نذرگیرندگان<sup>۱</sup> نیز به دلیل ناتوانی‌های اجتماعی و اقتصادی، در وضعیت مطلوب اقتصادی و رفاهی قرار ندارند و با نذری‌های نذردهندگان، بخشی از نیازهایشان تأمین می‌شود. شناسایی افرادی که در زمره نذرگیرندگان یا نذردهندگان قرار می‌گیرند، در آغاز پژوهش بسیار مشکل بود، اما با یافتن اولین گروه‌های مورد بررسی از طریق نمونه‌گیری **گلوله برفی**<sup>۲</sup> یا زنجیری، مجموعه مشارکت‌کنندگان را گسترش دادیم. روند نمونه‌گیری در شکل (۱) مشاهده می‌شود:



شکل (۱): روند انتخاب موارد پژوهش

۱ در پژوهش حاضر، همه نذرگیرندگان اعضای تحت پوشش کمیته امداد بودند که به گواه خودشان و نذردهندگان، به سختی نیازهای اساسی خود را تأمین می‌کردند. این افراد بیشتر به دلیل بی‌سرپرستی، قطع عضو، ازکارافتادگی و کهنسالی مورد حمایت نذردهندگان قرار می‌گرفتند.

2 Snowball method

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، ۲۴ شرکت‌کننده مورد بررسی قرار گرفتند که ۱۰ نفر از آنها، نذرگیرنده و ۱۴ نفر نذردهنده بودند. در پژوهش حاضر، بسیار تلاش شد که با انتخاب مشارکت‌کنندگان، از بین هر دو جنس، اهداف پژوهش بهتر تحقق یابند، ولی با توجه به محدودیت‌های پیش‌روی پژوهشگر، همه مشارکت‌کنندگان، از بین مردان انتخاب گردیدند.<sup>۱</sup>

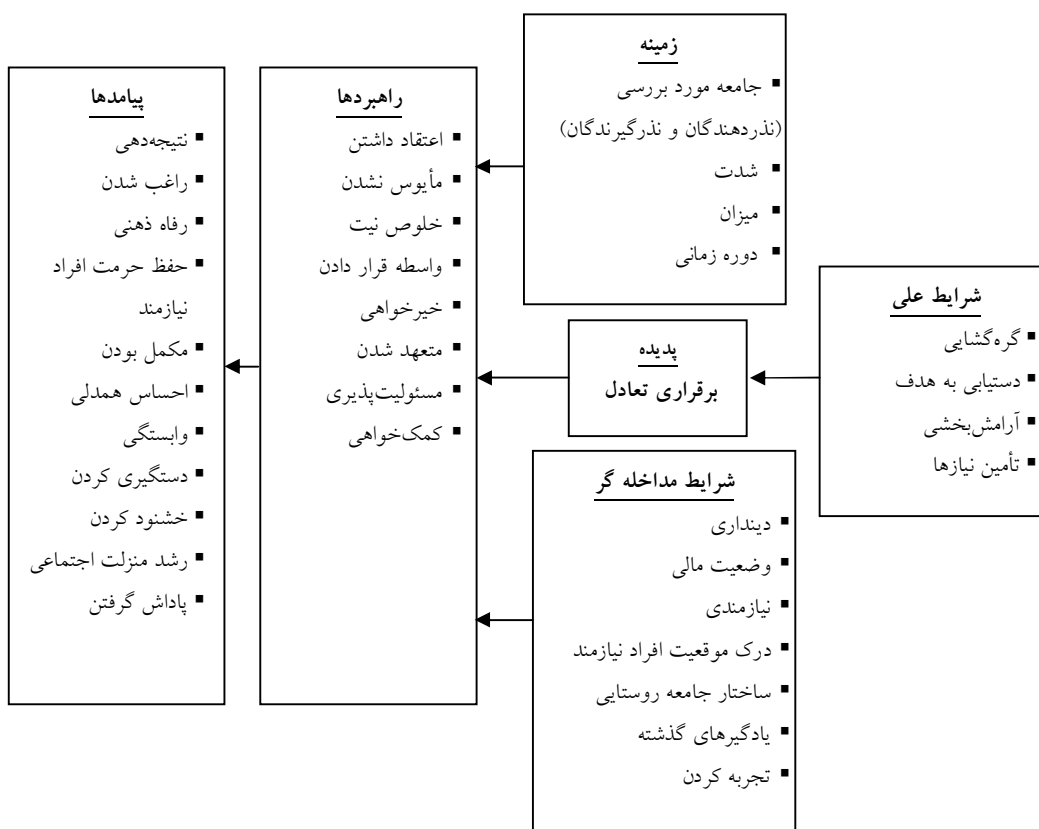
### یافته‌های پژوهش

با استفاده از رویه‌های نظریه بنیانی، ابتدا با کدگذاری باز، نام‌گذاری، مفهوم‌سازی و مقوله‌بندی داده‌ها انجام شد. سپس با تحلیل خط‌به‌خط<sup>۲</sup> داده‌های گردآوری شده از طریق مصاحبه‌های عمیق و نیمه‌عمیق، بیش از ۳۰۰ مفهوم ساخته شد و با پرسش‌های مکرر از داده‌های به دست آمده و گسترش مفاهیم و یافتن ارتباط آنها با یکدیگر، ۳۶ مقوله ساخته شد. سپس از طریق کدگذاری محوری که سومین عنصر نظریه بنیانی، یعنی شکل‌گیری قضایا را می‌سازد، کشف مقوله‌های اصلی و پیوند مقوله‌های فرعی حول مقوله اصلی، از طریق رفت و برگشت‌ها و مقایسه‌های فراوان بین مقوله‌های کشف شده و ترسیم یک مدل پارادیمی میسر گردید. مدل پارادیمی، شرایط علی،<sup>۳</sup> پدیده،<sup>۴</sup> زمینه،<sup>۵</sup> شرایط مداخله‌گر،<sup>۶</sup> راهبردهای عمل/تعامل<sup>۷</sup> و پیامدها را شامل می‌شد. در نهایت، با کدگذاری انتخابی، روایت داستان و شرح توصیفی دقیق روابط بین مقوله‌ها، انتخاب و کشف مقوله اصلی میسر گردید. مقوله اصلی بیش از همه در داده‌ها تکرار می‌شود و قدرت جذب و یکپارچه کردن سایر مقوله‌ها را دارد. در پژوهش حاضر، با خلق مفاهیم، مقوله و ساخت قضایای نظری، با توجه به تکرار مقوله "برقراری تعادل" در داده‌ها و توانایی ارتباط آن با سایر مقوله‌ها و قدرت تبیین آنها، این مقوله به عنوان پدیده یا مقوله مرکزی انتخاب شد و در نهایت، مدل پارادیمی زیر ساخته شد.

۱ برای جمع‌آوری داده‌ها، به روستاهای گشت، کرم‌حله، امامزاده تقی، گشت گوراب، خسروآباد، زیده، ماکلوان، خشک‌نودهان مراجعه گردید.

2 Line by line Analysis  
3 Causal Condition  
4 Phenomenon  
5 Context  
6 Intervening Condition  
7 Action/Interaction Strategies

## کارکردها و پیامدهای نذر در جامعه روستایی



شکل (۲): مدل پارادایمی پدیده برقراری تعادل

### تشریح مدل

#### • شرایط علی مربوط به پدیده برقراری تعادل

عواملی که موجب برقراری تعادل در بین نذردهندگان و نذرگیرندگان از طریق نذرهای حمایتی می‌شوند، "گره‌گشایی"، "دستیابی به هدف"، "آرامش‌بخشی" و "تأمین نیازها" هستند. سه عامل ابتدایی در بین همه نذردهندگان، شرایط علی مشترکی را به وجود می‌آورد که وقوع این پدیده را در تعامل با راهبردهای آن قطعی می‌کند. نذردهندگان همواره اذعان می‌کردند که دلیل اشتیاق آنها به اعمال نذری در طول حیات خویش این

است که اعمال مذکور، توانایی مقابله آنها را با خطرها و موانع دشوار، افزایش می‌دهد و گره‌هایی محکمی را باز می‌کند که زندگی آنها را دچار نابسامانی و اختلال کرده است. بنابراین، وقتی به اصطلاح خودشان، شرایط زندگی بسیار سخت و دشوار می‌شود، چاره‌ای جز نذر کردن ندارند. زیرا نذر می‌تواند گره‌های محکم زندگی آنها را باز کند و آنها را به زندگی عاری از رنج و دردی برساند که در گذشته همراهشان بود. پس انجام درست نذر، دستیابی به هدف‌های مشروع و پاک افراد را تسهیل می‌کند و موجب می‌شود که آنها پس از دوران اندوه و مصیبت، به آرامشی برسند که نذر کردن به آنها اعطا می‌کند و از این طریق، در زندگی به تعادل دست یابند. نذرگیرندگان نیز به دلیل تمایل نذردهندگان مؤمن به نذرهای حمایتی می‌توانند بخشی از نیازهای خود را تأمین کنند. در نتیجه عامل تأمین کردن نیازهای افراد محتاج با فعالیت‌های متنوع حمایتی نذردهندگان، موجب پیدایش پدیده برقراری تعادل در بین نذرگیرندگان می‌شود.

#### • پدیده ناشی از شرایط علی

برقراری تعادل از طریق کنش‌های نذری به این معنا است که نیازهای شدید و مشکلات سخت، محدودیت‌هایی را در زندگی افراد ایجاد می‌کند، به طوری که روند حیات آنها را از وضعیت توازن و تعادل مطلوب خارج می‌کند. پس افراد با نذر کردن به دنبال دستیابی به تعادل در زندگی خود هستند تا دوباره به زندگی آرام و ایمن خود ادامه دهند. به عبارت بهتر، نذر راهکاری است که افراد هنگام از دست دادن تعادل و عدم توانایی برای حل مشکلات، استفاده می‌کنند تا دوباره تعادل حیات اجتماعی و فردی خویش را به دست آورند. برای پیدایش نتایج حاصل از نذرها، نذردهندگان دارای توانایی مالی مناسب، می‌توانند با نذرهای حمایتی به طور مقطعی یا پایدار، زندگی خویش و محرومان محتاج را به تعادل برسانند. نذردهندگان با دادن نذرهای خود به نذرگیرندگان محتاج، دو نوع تعادل همزمان<sup>۱</sup> را در خود و آنها ایجاد می‌کنند: اولاً، با یاری کردن مستمندان دردمند، از آنها حمایت می‌کنند و آنها را از سختی معیشت (تا حدودی یا به مدت طولانی) نجات می‌دهند و در زندگی آنها تعادل به وجود می‌آورند. دوم اینکه، با انجام این عمل، به کاهش یا از بین رفتن خطرها و موانعی کمک می‌کنند که ادامه زندگی‌شان را مختل کرده است یا در آینده مختل می‌کند و از این طریق، به حمایت کردن خویش ادامه می‌دهند تا دوباره موازنه در حیاتشان ایجاد شود.

#### • زمینه‌ای که در آن راهبردهای مربوط به پدیده برقراری تعادل بسط یافته‌اند.

استفاده مؤثر از راهبردهای مربوط به پدیده برقراری تعادل که از طریق کنش‌های نذری حاصل می‌شوند، به زمینه‌های این پدیده وابسته است. این پدیده در بین نذرکنندگان و به ویژه نذردهندگان و نذرگیرندگان حمایتی می‌تواند از میزان، شدت و دوره زمانی خاصی برخوردار شود. تقریباً تعادل و توازن حاصل از نذر کردن

۱ البته نذر می‌تواند - فراتر از آنچه که در پژوهش حاضر مورد بررسی قرار گرفته است - موجب ایجاد تعادل‌های اجتماعی و فردی شود، اما از آنجایی که در پژوهش حاضر دو جامعه نذرگیرندگان و نذردهندگان بررسی شده است، صرفاً تعادل‌هایی بیان می‌گردد که آنان درک و کشف کرده بودند.

## کارکردها و پیامدهای نذر در جامعه روستایی

و نذری گرفتن را می‌توان در بین هر دو گروه مورد بررسی مشاهده کرد. البته میزان آن ممکن است با شدت زیاد یا کمی در بین آنها مشاهده گردد. بدین صورت که هر چه مشکلات نذردهندگان، شدیدتر و دامنه احتیاج نذرگیرندگان، وسیع و گسترده‌تر باشد، تعادلی که از طریق نذرهای حمایتی در بین آن دو گروه ایجاد می‌شود، شدت بیشتری نسبت به عکس این قضیه دارد. همچنین این پدیده بر حسب نوع نیازی که در بین نذردهندگان و افراد محتاج نذرگیرنده رفع می‌کند، در طول زمان می‌تواند تعادل‌های مقطعی یا پایداری را ایجاد کند.

### • شرایط مداخله‌گر مؤثر بر راهبردهای پدیده برقراری تعادل

این شرایط که در بکارگیری همه یا برخی از راهبردهای پدیده برقراری تعادل تأثیر می‌گذارند، عبارت‌اند از: "دینداری"، "وضعیت مالی"، "نیازمندی"، "درک موقعیت افراد نیازمند"، "ساختار جامعه روستایی"، "یادگیری‌های گذشته" و "تجربه کردن". عامل دینداری به دلیل ریشه‌های دینی کنش نذر، بر همه راهبردهای این پدیده تأثیر می‌گذارد، به طوری که اگر پایبندی به مبانی دینی در نذرکنندگان بیشتر باشد، به همان نسبت شرایط مناسبی فراهم می‌شود که راهبردها بدون مواجه با موانعی جدی، پدیده دستیابی به تعادل را که افراد از نتیجه نذر کردن خود به دست خواهند آورد، تحقق بخشند. البته در صورت ضعف پایبندی به اصول دینی در نذرکنندگان، همه راهبردهای آن با محدودیت‌هایی برای دستیابی نذردهندگان و نذرگیرندگان به تعادل مواجه خواهند شد. وضعیت مالی نیز یکی دیگر از عوامل مداخله‌گر این پدیده است که از عناصر اصلی مؤثر در نذرهای حمایتی محسوب می‌شود و می‌تواند در بکارگیری راهبردهای گوناگون آن پدیده، شرایط مختلفی برای نذردهندگان ایجاد کند. به طوری که در صورت توانمندی یا ناتوانی مالی، نذردهنده را در اجرای راهبرد خیرخواهی و پاسخگویی به راهبرد کمک‌خواهی از سوی نذرگیرندگان محتاج، با شرایط تسهیل‌کننده یا محدودکننده مواجه می‌کند. نیازمندی، عامل دیگری است که بر راهبردهای آن پدیده مؤثر است. این عامل در سطح کلی، همه نذرکنندگان را به نذر کردن ترغیب می‌کند، اما در سطحی خردتر یعنی در نذرهای حمایتی، با پیوستگی که با دو عامل فوق دارد، در صورتی که شدت آن در بین نذردهندگان بیشتر باشد، آنها را به استفاده از راهبردهای اعتقاد داشتن، مایوس نشدن، خلوص نیت، واسطه قرار دادن و خیرخواهی به منظور دستیابی به توازن حاصل از اعمال نذری سوق می‌دهد. نیازمندی، بر نذرگیرندگان نیز در نذرهای حمایتی تأثیر می‌گذارد و از آنجایی که آنها به کمک‌های مالی و کالاهای روزمره زندگی، بسیار نیاز دارند، تحت تأثیر میزان نیازمندی، در صورت فراهم شدن بستر مناسب، راهبرد کمک‌خواهی از نذردهندگان را برای دستیابی به تعادل در حیات خویش اتخاذ می‌کنند. درک موقعیت افراد محتاج نیز عامل مداخله‌گر دیگری است که در انتخاب راهبردهای این پدیده از سوی نذردهندگان تأثیر مهمی دارد. بدین ترتیب که اگر احساس و درک نذردهندگان درباره شرایط نذرگیرندگان محتاج، عمیق باشد، اتخاذ راهبردهای خیرخواهی، مسئولیت‌پذیری، متعهد شدن و پاسخ به

تقاضاهای افراد نیازمند از سوی نذردهندگان با فهم و اشتیاق بیشتری انجام می‌شود. در غیر این صورت، بکارگیری آن راهبردها، افراد را با مشکلاتی مواجه می‌کند. ساختار جامعه روستایی نیز به میزان بسیاری بر نذرهای حمایتی، به‌ویژه راهبردهای پدیده مذکور تأثیر می‌گذارد، به‌طوری که اگر ساختار طوری باشد که در آن فقر چندان گسترده نباشد و افراد ثروتمند خیر، ضمن زندگی در این جامعه، افرادی خیرخواه باشند، راهبردهای خیرخواهی، مسئولیت‌پذیری با پدیده برقراری تعادل مواجه نمی‌گردند. در نهایت، یادگیری‌های پیشین و تجربه‌های متعددی که نذردهندگان از اعمال نذری آموخته و درک کرده‌اند، با وجود اینکه ممارست و تکرار این عمل را در آنها موجب می‌شود، همه راهبردهای آن پدیده را برای دستیابی به اهداف نذردهنده توسعه می‌بخشد و در صورت کمبود این داشته‌ها در بین نذردهندگان، از شدت و دامنه استفاده از راهبردهای مختلف آن پدیده، به منظور نتیجه‌دهی و برقراری تعادل در بین نذردهندگان کاسته می‌شود.

#### • راهبردهای مربوط به پدیده برقراری تعادل

افراد جامعه، آثار گوناگون نذر (به طور خاص نذرهای حمایتی) را در فرد نذرکننده و جامعه‌اش درک کرده‌اند و معتقد هستند که نذر می‌تواند پس از رهایی آنها از سختی‌ها و مشکلاتی که قدرت مقابله با آنها را ندارند، تعادلی مناسب در زندگی آنها ایجاد کند. بنابراین نذرکنندگان برای کنترل و دستیابی به این تعادل که اثر و نتیجه نذر است، از تدابیر و راهبردهایی استفاده می‌کنند. آنها در این فرایند، با اعتقاد داشتن به قدرت‌های فرامادی و اثربخشی نذر و مایوس نشدن از اثربخشی آن، سعی می‌کنند با خلوص نیت همواره موانع و مشکلات مشروع خود را از طریق نذر و پیمان بستن با خدا رفع یا کنترل کنند و با واسطه قرار دادن میانجیان مقدس و پاک که در برابر خدا از جایگاه مطلوبی برخوردار هستند، ضمن اتصال راحت‌تر با خدا، دستیابی به هدف و تعادل مورد نظر را برای خویش میسر کنند. نذرکنندگان معتقد و نیازمند، پیوسته تلاش می‌کنند برای ایجاد تعادل از دست رفته خود و تأثیرگذار بودن نذرهایشان، به نذرهای حمایتی بپردازند تا نذردهندگانی خطاب گردند که از نذرگیرندگان محتاج حمایت می‌کنند. نذردهندگان به این باور رسیده‌اند که برای تعامل مؤثر با این پدیده، باید در نذرهای حمایتی، همواره روحیه انجام اعمال خیرخواهانه را در درون و رفتارهای بیرونی‌شان تقویت کنند و قصد و نیت خویش را طوری با معبود و واسطه‌های او در میان گذارند که در ازای رفع مشکلات خویش، بخشی از مسائل افراد محتاج دردمند را رفع کنند. نذردهندگان همچنین با اطلاع از دشواری‌های زندگی مستمندان، علاوه بر خیرخواهی، از دو راهبرد دیگر یعنی متعهد شدن و مسئولیت‌پذیری نیز استفاده می‌کنند. با راهبرد متعهد شدن، نذردهندگان از طریق نذر کردن، با خدا و واسطه‌های خیر، به معامله‌ای مقدس می‌پردازند و متعهد می‌شوند که در برابر رفع موانع و دستیابی به اهدافشان، همواره قبل یا بعد از گرفتن حاجات خود، نذری‌هایشان را به نیازمندیانی بدهند که بسیار به آن محتاج هستند تا ضمن متعادل کردن

## کارکردها و پیامدهای نذر در جامعه روستایی

حوزه‌های مختلف زندگی خویش، زندگی آن نیازمندان را نیز به توازن برسانند. همچنین با تقویت روحیه مسئولیت‌پذیری و یاری افراد محتاج جامعه، تعادل حاصل از نذرهای حمایتی را در زندگی خود و افراد محتاج افزایش دهند و با چاره‌اندیشی برای موانع همزمان و آینده زندگی خود، از برهم خوردن تعادل حیات خویش در آن ایام جلوگیری کنند. در تعامل با این پدیده، نذرگیرندگان نیز به دلیل فراهم بودن بستر مناسب حمایتی در جامعه خود و وجود نذردهندگان خیر، برخی اوقات، برای ایجاد تعادل در زندگی خویش، به راهبرد کمک‌خواهی از نذردهندگان خیر و مسئول گرایش می‌یابند. البته تعداد و چگونگی استفاده از این راهبردها در بین نذردهندگان و نذرگیرندگان، با توجه به شرایط مداخله‌گر متفاوت است. به طوری که ممکن است عده‌ای همه این راهبردها را مورد استفاده قرار دهند و عده‌ای دیگر فقط برخی از آنها را مورد توجه قرار دهند.

### • پیامدهای راهبردهای پدیده برقراری تعادل

پیامدهای راهبردهای پدیده برقراری تعادل، عمدتاً با یکدیگر هماهنگ و بسیار درهم‌تنیده هستند. به این صورت که راهبرد اعتقاد داشتن، مأیوس نشدن، واسطه قرار دادن و خلوص نیت در یک آمیزش متوازن، سبب می‌شوند که نتایج نذر برای نذردهندگان پدید آید و از این طریق، با ایجاد احساس رضایت در نذردهندگان، پیامد راغب شدن و اقدام به نذر - به دلیل آثار سودمندی که می‌توانند داشته باشد - در اذهان و اعمال آنها تقویت می‌گردد. نذردهندگان برای کنترل و دستیابی به تعادل، همواره از راهبرد خیرخواهی استفاده می‌کنند. نذرگیرندگان نیز با مشاهده این اعمال سعی می‌کنند برای متعادل کردن زندگی خویش، راهبرد کمک‌خواهی را اجرا کنند تا بتوانند رفاه ذهنی در حیات خویش ایجاد کنند و حمایت‌هایی دریافت نمایند که به حفظ حرمت آنها منجر شود، زیرا اگر نذردهندگان حمایتی در نذری خود، حرمت و آبروی ایشان را حفظ نکنند، بر اساس آموزه‌های اسلام، نتیجه و اثر نذر نذردهندگان از بین خواهد رفت. بر این اساس، نذرگیرندگان به دلیل مؤثر بودن نذرهای حمایتی، به مکمل مناسبی برای تأمین نیازهای خود در کنار سایر حمایت‌ها (حمایت‌های نهاد حمایتی کمیته امداد) دست می‌یابند. نذردهندگان با تحکیم روحیه خیرخواهی، دو راهبرد دیگر را نیز شکل می‌دهند که متعهد شدن و مسئولیت‌پذیری در برابر فقر دیگران است. این راهبردها پیامدهای مختلفی برای نذردهندگان و نذرگیرندگان دارند، به طوری که با تقویت احساس همدلی در بین نذردهندگان، نسبت به نذرگیرندگان، موجب نزدیکی و وابستگی آن دو گروه می‌شوند. سه راهبرد مذکور، نذردهنده را نیز به حمایت از نذرگیرنده محتاج و رفع برخی از موانع زندگی وی ترغیب می‌کنند و موجب می‌شوند که رضایت و خشنودی فراوانی در وی ایجاد شود. در نهایت، نتایج مؤثر پیامدهای مذکور برای نذردهنده این است که مقام و منزلت اجتماعی وی را در جامعه روستایی افزایش می‌دهد و با انجام اعمال خداپسندانه و کمک به محرومان، ثواب‌ها و پاداش‌های جاویدان الهی را برای آنها فراهم می‌کند.

### نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر، با استفاده از روش نظریه بنیانی به وضوح مشخص گردید که ندرهای حمایتی بر دو گروه نذردهندگان و نذرگیرندگان تأثیر می‌گذارد و پیامد و کارکرد اساسی آن، ایجاد تعادل‌های اجتماعی، اقتصادی و روانی در دو گروه از مردم در جامعه روستایی مورد بررسی است. بر اساس نتایج پژوهش حاضر، نذر یکی از راهبردهای حمایتی تأمین اجتماعی اسلام، منبع تأمین - حمایتی سنتی محسوب می‌شود که در راستای نظام فعلی تأمین اجتماعی قرار دارد و به طور خودجوش و درونزا تحت تأثیر انگیزه‌های دینی، ضمن ایجاد تأمین اجتماعی روستایی، به تحقق توسعه روستایی در جنبه‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی کمک می‌کند. منطقه مورد بررسی، یکی از مناطق محروم استان گیلان است که به لحاظ شاخص‌های توسعه انسانی و اجتماعی چندان مطلوب نیست. هر چند برای تأیید صحت و سقم این موضوع باید به بررسی بیشتر پرداخت، اما تحت پوشش قرار گرفتن بیش از ۶۹۲۰ خانوار روستایی، یعنی ۶۳/۶۶ درصد از آنها در کمیته امداد امام خمینی (ره)<sup>۱</sup> و تحت پوشش قرار گرفتن تعداد زیادی از روستاییان این منطقه در سازمان‌های بهزیستی، امور ایثارگران و سایر نهادهای حمایتی خود و نیز مشاهده اجمالی نابسامانی‌ها و کمبود زیرساخت‌های مورد نیاز در روستاهای این منطقه، مانند نداشتن راه مناسب، گاز، امکانات بهداشتی و غیره، بیانگر گسترش محرومیت و فقر در ابعاد گوناگون در جامعه روستایی منطقه مذکور است. بنابراین برای مبارزه با ضعف و ناتوانی بسیار در جامعه روستایی، باید از همه منابع موجود در گسترش نظام تأمین اجتماعی استفاده کرد. یکی از منابعی که می‌توان در این زمینه مورد استفاده قرار داد، نهاد دین است که به مثابه منبعی برخوردار از اندیشه، منابع دینی و بومی، زمینه استقرار فراگیر آن نظام را میسر می‌کند. در پژوهش حاضر، با استفاده از روش پژوهش کیفی و ژرفانگر در جامعه روستایی، مشخص گردید که با تخریب وسیع نهادهای سنتی تأمین اجتماعی روستایی در جامعه کنونی روستایی و به دلیل نفوذ دین در جامعه مذکور، همچنان بخش زیادی از راهبردهای تأمین و حمایتی آن می‌توانند هزینه‌های ناکامی زیاد گسترش تأمین اجتماعی روستایی را تا حدودی کاهش دهند و بستر مناسب را برای تحقق توسعه روستایی فراهم کنند. دینداری و پایبندی به اعتقادات دینی در جامعه روستایی، موجب شده است که دینداران مورد بررسی، به دلیل ساختار نامناسب جامعه روستایی، در صورت توانمندی مالی، بخشی از محدودیت‌های نهادهای حمایتی را در تحت پوشش قرار دادن مطلوب نیازمندان دردمند جبران کنند و به مثابه مکمل نهادهای مذکور، ضمن کاهش فقر در جامعه روستایی، تعادل دوجانبه‌ای بین حمایت‌کنندگان و حمایت‌شوندگان ایجاد نمایند و با ایجاد مودت، دوستی و وابستگی بین افراد آن جامعه، فعالیت‌های خودجوشی را برای تحقق توسعه و گسترش تأمین اجتماعی در جامعه روستایی انجام دهند. این

۱ گزارش شش ماه اول ۱۳۸۷ مرکز آمار کمیته امداد امام خمینی (ره) شهرستان فومن



## کارکردها و پیامدهای نذر در جامعه روستایی

حرکت خودجوش جامعه روستایی در صورت هدایت و برنامه‌ریزی مردمی برای نذرهای حمایتی، سرمایه اجتماعی را در جامعه پدید می‌آورد و رشد هنجارهای معامله متقابل، مشارکت‌های غیررسمی خیریه‌ای، همیارانه و مذهبی، در صورت شکل‌گیری فعالیت‌های سازمان‌یافته و رسمی حمایتی، مانند سازمان‌های غیردولتی حمایتی، تحقق، بالندگی، رشد و توسعه اجتماعات محلی و روستایی را میسر می‌کند. می‌توان نتیجه گرفت که دین و راهبردهای دینی، منبع و سرمایه‌ای بومی هستند که می‌توانند به مثابه منبع یا محرک توسعه روستایی، در ابعاد گوناگون به ویژه تأمین اجتماعی در جامعه روستایی مؤثر باشند که برای شناخت بیشتر ظرفیت‌های آن در این زمینه، باید پژوهش‌های بیشتری انجام شود.

## منابع

- ادیب حاج باقری، محسن (۱۳۸۵). روش تحقیق گراند تئوری. تهران: نشر و تبلیغ بشری.
- ادیب حاج باقری، محسن و دیگران (۱۳۸۶). روش تحقیق کیفی. تهران: نشر و تبلیغ بشری.
- استراس، آنسلم؛ کوربین، جولیت (۱۳۸۵). اصول روش تحقیق کیفی: نظریه‌های منبایی رویه‌ها و شیوه‌ها. ترجمه: بیوک محمدی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- بلیکی، نورمن (۱۳۸۴). طراحی پژوهش‌های اجتماعی. ترجمه: حسن چاوشیان. تهران: نشر نی.
- بهار، مهری (۱۳۸۳). نذر و هویت اجتماعی زنان. نامه علوم اجتماعی. ۲۴.
- پژوهان، جمشید و همکاران (۱۳۷۳). سیاست‌های حمایتی از قشرهای آسیب‌پذیر. تهران: وزارت امور اقتصاد و دارایی، معاونت امور اقتصادی.
- پناهی، بهرام (۱۳۷۶). اصول و مبانی تأمین اجتماعی. تهران: مؤسسه پژوهش تأمین اجتماعی.
- پناهی، بهرام (۱۳۸۵). کارکردهای تأمین اجتماعی در ایران. تهران: مؤسسه پژوهش تأمین اجتماعی.
- دورکیم، امیل (۱۳۸۶). صور بنیادی حیات دینی. ترجمه: باقر پرهام. تهران: نشر مرکز.
- سجادی، سید جعفر (۱۳۷۹). فرهنگ معارف اسلامی. جلد سوم. تهران: انتشارات کومش.
- شورای پژوهشی مؤسسه پژوهش و تأمین اجتماعی (۱۳۷۸). نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی. تهران: مؤسسه پژوهش تأمین اجتماعی.
- طالب، مهدی و عنبری، موسی (۱۳۸۴). جامعه‌شناسی روستایی با تأکید بر ابعاد تغییر و توسعه در جامعه روستایی ایران. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- قابل، احمد (۱۳۸۳). اسلام و تأمین اجتماعی: مبانی راهکارهای حمایتی و بیمه‌ای در قرآن، روایات، اخلاق و فقه اسلامی. تهران: مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی.
- قاضی، حسین (۱۳۸۵). اصول فقه کاربردی. تهران: انتشارات سمت.
- محدثی، جواد (۱۳۷۴). فرهنگ عاشورا. قم: انتشارات معروف.

توسعه روستایی، دوره سوم، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۰

- مرکز آمار ایران (۱۳۸۶). سرشماری عمومی نفوس و مسکن - ۱۳۸۵، استان گیلان. تهران: پایگاه اطلاعات نشریات مرکز آمار ایران.
- مریدی، سیاوش (۱۳۸۳). مبانی نظری و تجارب جهانی تأمین اجتماعی روستاییان. تهران: مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی.
- مسلمی، عبدالرضا (۱۳۸۳). شناخت جامعه روستایی از دیدگاه تأمین اجتماعی. تهران: مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی.

- Alderman, H. (1996). Saving and Economic Shocks in Rural Pakistan. *Journal of development economic*, 51(2). 343-66.
- Charmaz, K. (2000). *Grounded Theory: Objectivist and Constructivist Methods*. In Norman K. Denzin & Yvonna S. Lincoln (Eds.), *Handbook of Qualitative Research*. 2nd edition (pp.509-535).
- Coyne, I. & Cowley, S. (2006). Using grounded theory to research parent participation. *Journal of Research in nursing*. 11, 501-515.
- Pandit, N. R. (1996). The creation of Thorey: An recent application of the grounded theory method. *The Qualitative Report*. 2(4), 1-14.